



هم به‌دلیل استفاده از فواصل ملودیک کوتاه و گاهی ناهماهنگ، نوعی اضطراب زیرپوستی به بیننده انتقال می‌داد. چنین بافتی، در هماهنگی کامل با رویکرد ملتهب و انتقام‌جوی داستان بود و توانست آن را به بخشی از هویت تصویری اثر بدل کند. می‌توان گشت، موفقیت خرابی‌فر در «زخم کاری» به این‌دلیل بود که موسیقی در آن به‌عنوان یک شخصیت مستقل عمل می‌کرد، بااین‌حال در برخی قسمت‌ها تکرار الگوهای ریتمیک مشابه، از تازگی کار می‌کاست.

او در «سقوط»، رویکردی متفاوت و ملودیک‌تر اتخاذ کرده است. داستان عاشقانه در دل بحران سیاسی و جنگی، باعث شد تا موسیقی اثر، ترکیبی از ملودی‌های لطیف و هارمونی‌های مینیمال برای صحنه‌های احساسی و بافت‌های صوتی تیره و کند برای لحظات تهدیدآمیز و درگیری باشد. حضور سازهای زهی در رجیستر پایین، همراه با درون‌مایه‌ی گُرال گاه‌به‌گاه، حس ناامیدی و سرنوشت محتوم را تقویت می‌کرد. درواقع سیاست‌آهنگ‌ساز در این اثر، این بود که موسیقی بیشتر بر جنبه‌ی احساسی و ترازیک تأکید کند و کمتر از انرژی ریتمیک آثار دیگرش بهره بگیرد؛ این انتخاب، گرچه با لحن داستان هماهنگ بود، اما برای بخشی از مخاطبان، ضرب‌آهنگ کلی اثر را کند جلوه می‌داد.

دیگر آهنگ‌ساز فعال در شبکه‌ی نمایش خانگی، «امیر توسلی» است. کارنامه‌ی امیر توسلی در این مدیوم، طیفی از آثار از جمله درام تاریخی (شهرزاد، قبله عالم)، آثار فانتزی یا طنز (خوب، بد، جلف و مهمونی) و ملودرام اجتماعی (آبان، قلب یخی، اجل معلق) را شامل می‌شود. او در بسیاری از آثارش، به‌ویژه در شهرزاد و قبله عالم، از مدها و گوشه‌های موسیقی ایرانی بهره گرفته و آن‌ها را در قالب ارکستر زهی و بادی غربی بافرینی کرده است.

شیوه‌ی کار آهنگ‌سازی توسلی این‌گونه است که معمولاً برای شخصیت‌ها یا خطوط داستانی اصلی، تم‌های مستقل طراحی می‌کند که در طول سریال با تغییرات ارکستراسیون یا هارمونی، سیر تحول شخصیت را به مخاطب القا می‌کند. نمونه‌ی بارز این ماجرا را می‌توان در تم عاشقانه‌ی «شهرزاد» مشاهده کرد که در طول سه‌فصل، بارها با رنگ‌آمیزی و ریتم متفاوت بازگشت می‌کرد. او همچنین در آثار طنزی مثل «خوب، بد، جلف» و «مهمونی» از فضای سبک‌تر، ریتم‌های پرنرژی و سازبندی ترکیبی (شامل گیتار، پرکاشن لاتین و سازهای بادی جز) استفاده کرد. به‌طورکلی می‌توان گفت توسلی حتی در قطعات ارکسترال سنگین، از ملودی‌های واضح و قابل «به‌یادسپاری» استفاده می‌کند. این ویژگی او را از برخی آهنگسازان مینیمالیست معاصر متمایز می‌کند. می‌توان گفت نقطه‌ی قوت او، ایجاد تعادل میان ریشه‌های ایرانی و ابزارهای مدرن ارکسترال است. بااین‌حال تکرار برخی تکنیک‌ها و رویکردهای آشنای او در آثار متوالی، سبب شده تا «امضای موسیقایی» او به «کلیشه‌ی شنیداری» بدل شود.

چرا خوانندگان تکراری؟

در دو دهه‌ی اخیر، به‌ویژه در سریال‌های شاخص نمایش خانگی، استفاده از صدای خوانندگانی چون همایون شجریان، علیرضا قربانی و محسن چاوشی به یک فرمول تبدیل شده است. البته اگر صادق باشیم، احتمالاً ما نیز اگر اثری می‌ساختیم که نیاز به تیتراژ داشت، سراغ همین نام‌ها می‌رفتیم. خوانندگانی که صداهای خوبی دارند، محبوب هستند و دارای طیف گسترده‌ای از مخاطبان هستند، به‌طوری‌که پیش از پخش سریال، انتشار تک‌آهنگ تیتراژ باعث ایجاد موج خبری می‌شود. از همه‌ی اینها گذشته، حضور این خوانندگان به اثر، اعتبار فرهنگی می‌بخشد.

اما مشکل اصلی در جای دیگری نهفته است. در بسیاری از سریال‌ها، موسیقی متن و تیتراژ به دو آهنگ‌ساز متفاوت سپرده می‌شود؛ یعنی آهنگساز موسیقی متن، قطعات پس‌زمینه و تم‌های روایی سریال را می‌سازد، در حالی‌که تیتراژ ابتدایی یا پایانی را فرد دیگری با سبک و رنگ صوتی کاملاً متفاوتی خلق می‌کند. این تکنیک باعث می‌شود که تیتراژ به‌جای اینکه به‌عنوان یک نقطه شروع یا نتیجه‌گیری هماهنگ از جهان صوتی سریال عمل کند، به یک قطعه‌ی مستقل و جدا افتاده بدل شود که هیچ ارتباط روایی یا موسیقایی نزدیکی با موسیقی متن ندارد. اگر تیتراژ سریال «هم‌گناه» را با خوانندگی «علیرضا قربانی» به‌خاطر داشته باشید، متوجه‌ی این می‌شوید که قطعه پایانی با موسیقی متن متفاوت بود و بیشتر به یک موزیک‌ویدئوی مستقل شباهت داشت تا بخش مکمل سریال.

این موضوع را می‌توان در آثار دیگر شبکه‌ی نمایش خانگی چون دل، شهرزاد، فصل اول زخم کاری و... نیز مشاهده کرد و به این نتیجه رسید که «هویت صوتی تیتراژ» را فردی خارج از تیم اسکور ساخته است؛ وقتی بین زبان موسیقایی تیتراژ و بافت دراماتیک اسکور پیوند تماتیک برقرار نشود، خطر «قطعه‌ی مستقل بی ارتباط» بالاست و در نتیجه مخاطب هنگام شنیدن تیتراژ، احساس پیوستگی و انتقال طبیعی از فضای داستان

به فضای موسیقایی سریال را از دست می‌دهد. تیتراژ که باید به‌مثابه‌ی «دروازه‌ی ورود» به جهان داستانی باشد و با لحن، تم و حس کلی سریال هم‌آهنگ باشد، گاهی تبدیل به یک قطعه موسیقی می‌شود که فقط جنبه‌ی تزئینی یا تبلیغاتی دارد و نقشی جدی در روایت و تأثیرگذاری بر مخاطب ایفا نمی‌کند.

این مسئله، به‌ویژه در سریال‌های شبکه‌ی نمایش خانگی که تلاش می‌کنند با استفاده از موسیقی جذاب و درگیرکننده، مخاطب را از همان ابتدا مجذوب کنند، بسیار به‌چشم می‌آید و گویا در این شرایط برای کسی اهمیتی ندارد که تیتراژ از جهان موسیقایی سریال جدا افتاده است و مخاطب ممکن است دچار سردرگمی یا فاصله‌ی احساسی شود و کیفیت تجربه‌ی دیداری او کاهش پیدا کند.

علاوه بر این، چنین اتفاقی سبب می‌شود تا تیتراژ فرصت خلق لایت‌موتیف (تمی موسیقایی که در طول سریال تکرار و تغییر می‌یابد) را از دست بدهد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای موسیقی برای ایجاد انسجام و تعمیق روایت نیز به کار گرفته نشود. درحالی‌که اگر آهنگساز تیتراژ و موسیقی متن یک‌نفر باشد یا حداقل هماهنگی نزدیک میان آنها برقرار باشد، می‌توان شاهد شکل‌گیری یک زبان موسیقایی واحد بود که به‌شدت بر حس و حال سریال می‌افزاید و در ذهن مخاطب حک می‌شود. البته نمونه‌هایی نیز وجود دارد که آهنگ‌ساز اثر و موسیقی تیتراژ یک‌نفر هستند، ازجمله آثاری که «فردین خلعتبری» به‌عنوان آهنگ‌ساز در آن فعالیت دارد و نمونه‌اش نیز سریال «شهرزاد» است که هم آهنگ‌سازی متن، هم تیتراژ را خود این آهنگ‌ساز برعهده داشت.

در بازار جهانی، استفاده از خوانندگان مشهور برای تیتراژ امری رایج است، اما همیشه با موسیقی متن هماهنگ می‌شود. برای مثال سریال پیکي بلاندرن با انتخاب قطعه‌ی مشهور Red Right Hand» اثر نیک کیو به‌عنوان موسیقی تیتراژ آغازین، هویت صوتی خود را شکل داد. این قطعه با لحن تیره، ریتم سنگین و صدای خشن و رازآلود خواننده، کاملاً با فضای جنایت‌محور و تلخ سریال هم‌خوان بود. سازبندی مینیمال و استفاده از افکت‌های صوتی در این آهنگ، به تیم سازنده این امکان را داد تا تم کلی موسیقی متن سریال را بر همان حال‌وهوا بنا کنند. به‌طوری‌که در قطعات دیگر موسیقی متن نیز همان حس تهدید، معما و سنگینی فضا تکرار شد.

در فصل اول سریال «کارآگاه حقیقی»، قطعه‌ی «Far From Any Road» ساخته‌ی گروه The Handsome Family به‌عنوان موسیقی تیتراژ آغازین انتخاب شد. این آهنگ با ترکیب صدای گیتار آکوستیک، درام آرام و خوانش رازآلود، تصویری موسیقایی از جنوب تاریک و رموز آمریکای ارائه می‌دهد. تم شاعرانه و اندوهگین این قطعه، در همان لحظات آغازین، حال‌وهوای جهان داستان را به بیننده القا می‌کند و تأثیرش در طول فصل حفظ می‌شود؛ به‌طوری‌که حتی در اپیزودهایی که این آهنگ پخش نمی‌شود، رنگ و بوی موسیقایی سریال همچنان از آن الهام گرفته و تکرار حس می‌شود.

چرا خوانندگان لس آنجلسی؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به‌دلیل شرایط سیاسی و فرهنگی جدید و محدودیت‌های سختگیرانه‌ر در عرصه‌ی موسیقی پاپ، بسیاری از خوانندگان مطرح آن دوران مجبور به ترک ایران و مهاجرت شدند و با تمام مصائبی که به آن دچار بودند، با حفظ سبک و صدای خود در تبعید، به فعالیت هنری ادامه دادند.

با این وجود در سال‌های اخیر، روند استفاده از موسیقی خوانندگان لس آنجلسی در سریال‌های شبکه‌ی نمایش خانگی ایران افزایش چشمگیری داشته است و صدای خوانندگانی چون ابی، داریوش، سوسن، معین و دیگران، به‌رغم محدودیت‌های رسمی و ممنوعیت‌های قانونی به‌شکلی گسترده در موسیقی متن و حتی تیتراژ سریال‌ها استفاده می‌شود. این امر اگرچه از نظر مخاطب می‌تواند جذاب باشد، اما درواقع نوعی اجحاف و بی‌توجهی نسبت به قوانین مالکیت معنوی و حقوق این هنرمندان محسوب می‌شود. این خوانندگان به‌طور رسمی در ایران مجوز فعالیت ندارند و حقوق کپی‌رایت آثارشان در داخل کشور به‌رسمیت شناخته نمی‌شود. بنابراین استفاده‌ی بدون اجازه از کارهایی که خلق کرده‌اند، نقض قانون و تضییع حقوق این افراد است.

اما به‌نظر می‌رسد این ماجرا برای سازندگان سریال‌ها اهمیت چندانی ندارد، آن‌چه برای آنان مهم است، این است که بسیاری از مخاطبان ایرانی، با صدای این خوانندگان بزرگ شده‌اند و شنیدن موسیقی آن‌ها یادآور خاطراتی خاص برای آنان است و در نتیجه می‌توانند از آن‌ها برای گسترش مخاطب خود بهره بگیرند، به‌خصوص این‌که آثار تولید شده توسط برخی از خوانندگان لس آنجلسی از نظر کیفیت، فراتر از نمونه‌های مشابه وطنی است.

در یک کلام می‌توان گفت، سازندگان سریال‌ها و پاتفرم‌ها به دنبال جذب بیشترین تعداد مخاطب هستند و استفاده از

برخی چهره‌های

موسیقایی در سینما و تلویزیون ایران، روابط حرفه‌ای گسترده‌ای با کارگردانان و تهیه‌کنندگان دارند و همین باعث حضور گسترده‌ترشان می‌شود، اما کسی به این نکته توجه نمی‌کند که این چرخه‌ی محدود انتخاب، می‌تواند منجر به خستگی شنیداری، انسداد مسیر برای آهنگسازان تازه کار، و کاهش نوآوری شود

شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۸۵۹
www.hammihanon1

قطعات شناخته‌شده و محبوب، راهی مطمئن برای رسیدن به این هدف است، هر چند این وضعیت نه‌تنها حقوق هنرمندان را تضییع می‌کند، بلکه زمینه را برای تکرار الگوهای محدود و غیرنوآورانه در موسیقی سریال‌ها فراهم می‌آورد و فرصتی برای رشد موسیقی‌دانان جوان باقی نمی‌گذارد.

چرا موسیقی کم‌بودجه‌ترین بخش است؟

در بسیاری از پروژه‌ها، بودجه اختصاص‌یافته به موسیقی در مقایسه با سایر بخش‌ها مانند بازیگری، تصویربرداری، جلوه‌های ویژه و تولید، به‌شکل قابل‌توجهی کمتر است. قصه از سال‌ها پیش همین بوده و تا سال‌های بعد هم همین است، دلیل آن نیز کاملاً مشخص است. بسیاری از تهیه‌کنندگان و مدیران تولید، هنوز به درک کامل و عمیق از اهمیت موسیقی در انتقال احساسات، خلق فضا و تثبیت هویت سریال نرسیده‌اند. آنها بیشتر تمرکز خود را روی عوامل بصری و بازیگری می‌گذارند و موسیقی را گاهی صرفاً یک مکمل جانبی می‌دانند، نه یک عنصر کلیدی داستان‌گویی. به همین خاطر است که آنان ترجیح می‌دهند بودجه‌ی خود را صرف لوکیشن، دستمزد بازیگران شناخته‌شده، تجهیزات فیلمبرداری و تدوین کنند و در چنین شرایطی، موسیقی به‌شکل معمول قربانی کاهش هزینه‌ها می‌شود و آهنگسازان به‌دلیل بودجه پایین، فرصت کافی برای خلق یک موسیقی متن اصیل و حرفه‌ای پیدا نمی‌کنند و به همین خاطر ما با حجمی انبوه از موسیقی بی‌کیفیت یا کلیشه‌ای روبه‌رو هستیم که توانایی انتقال درست حس و حال صحنه‌ها را ندارد.

سال‌هاست که اهالی موسیقی تنها به این امید هستند که نقش و اهمیت موسیقی در فرآیند تولید جدی گرفته شود و بودجه‌ای متناسب با ارزش هنری آن اختصاص یابد. آنان سال‌هاست هشدار می‌دهند که بدون سرمایه‌گذاری کافی در موسیقی، حتی بهترین بازیگران و تصویرسازی‌ها نیز نمی‌توانند به‌طورکامل تأثیرگذار باشند و تجربه‌ای عمیق و ماندگار برای مخاطب ایجاد کنند.

موضوع: آگهی مناقصه لایروبی، تخلیه لجن، رنگ آمیزی

سطوح داخلی، لکه گیری رنگ بدنه و سقف و اجرای سیستم

کولینگ و فومینگ مخزن سقف ثابت شماره ۳ انبار نفت سبزار

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران
منطقه سبزار

کد فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۲۳۳۹۰۰۰۰۳ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه سبزار

موضوع مناقصه: **لایروبی، تخلیه لجن، رنگ آمیزی سطوح داخلی، لکه گیری رنگ بدنه و سقف و اجرای سیستم کولینگ و فومینگ مخزن سقف ثابت شماره ۳ انبار نفت سبزار**

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه سبزار در نظر دارد. کلیه مراحل مناقصه پیمان فوق‌الاشاره را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. آدرس: <http://setadiran.ir>

لازم به ذکر است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، بایستی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و نیز گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه معمول نمایند.

شرکت های ذیصلاح که تمایل به همکاری دارند می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند. شایان یادآوری است با عنایت به اینکه از روش فشرده دربرگزاری مناقصه فوق‌الاشاره استفاده میگردد. بدو آزراییبکی کیفی مناقصه گران انجام ومتعاقباً پاکات قیمت شرکت های که حائز امتیاز لازم شوند، مفتوح خواهد گردید و پاکات سایر شرکت ها ناگشوده مسترد میگردد. ضمناً مناقصه گران می توانند تا قبل از بازگشائی پاکات، یک نوبت پاکات قیمت خود را مسترد نموده و پاکات حاوی نرخ اصلاح شده خود را ارائه نمایند. متذکرمی گردد حداقل پاکات حائز امتیاز ارزیابی کیفی لازم جهت بازگشائی و اعلام برنده ۳ فقره می باشد. قیمت های پیشنهادی نیز بایستی متناسب با قیمت کالای ساخت داخل ارائه گردد. تاکید می شود مفاد بخشنامه شماره ۷۹۶-۲۰/مورخ ۹۹/۱۲/۹۹ وزیر محترم نفت با موضوع دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند تعیین قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت اجرامی گردد.

ردیف	عنوان	شرح
۱	موضوع مناقصه	لایروبی، تخلیه لجن، رنگ آمیزی سطوح داخلی، لکه گیری رنگ بدنه و سقف و اجرای سیستم کولینگ و فومینگ مخزن سقف ثابت شماره ۳ انبار نفت سبزار
۲	برآورد مناقصه	مبلغ ۵۱۳۲۸۸۳۰۹۱۴ ریال (پنجاه و یک میلیارد و سیصد و بیست و هشت میلیون و هشتصد و سر هزار و نهصد و بیست و چهار ریال)
۳	پیش پرداخت	مطابق مقررات و اسناد پیمان پرداخت میگردد
۴	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ ۲۵۶۶۴۱۵۱۴۶ ریال (دو میلیارد و پانصد و شصت و شش میلیون و چهارصد و چهل و یک هزار و پانصد و چهل و شش ریال)
۵	نوع تضمین	کلیه تضمین مندرج در آیین نامه تضمین در معاملات دولتی جهت شرکت در فرآیند ارجاع کار شماره حساب بانکی مناقصه گزار جهت واریز وجه نقد: حساب شماره ۲۱۷۲۵۸۸۰۳۲۰۰۹ بانک ملی ایران به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه سبزار شناسه ملی مناقصه گزار جهت ارائه ضمانت نامه بانکی: ۱۴۰۵۷۴۷۸۱۶۰
۶	تاریخ انتشار آگهی و اسناد در سامانه تدارکات الکترونیک دولت	شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ ساعت ۱۶:۰۰
۷	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیک دولت	دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ ساعت ۱۸:۰۰
۸	مهلت بازگذاری اسناد توسط مناقصه گران در سامانه تدارکات الکترونیک دولت شامل اسناد ارزیابی کیفی، پاکت الف (تضمین)، (پاکت ب (دفترچه پیمان و سایر اسناد و پیوستهای مربوطه)، ج (نرخ پیشنهادی و آنالیز نرخ پیشنهادی)	سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ ساعت ۰۸:۰۰
۹	تاریخ جلسه توضیح اسناد (جلسه توجیهی)	یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ ساعت ۰۹:۰۰ در محل سالن کنفرانس منطقه
۱۰	تاریخ بازگشائی پاکات ارزیابی کیفی	سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ ساعت ۰۹:۰۰
۱۱	تاریخ و محل بازگشائی پاکات الف و ج	یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ ساعت ۱۰:۰۰. آدرس: سبزار؛ بلوار دکتر علی شریعتی، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه سبزار، کمیسیون مناقصات
۱۲	مهلت اعتبار پیشنهادات	۱۴۰۴/۰۹/۲۳ ساعت ۱۴:۰۰
۱۳	نام مشاور	پروژه فاقد مشاور می باشد.
۱۴	شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه و ارزیابی کیفی	دارا بودن و ارائه گواهی صلاحیت معتبر پیمانکاری با حداقل رتبه ۵ تأسیسات و تجهیزات یا رتبه ۵ نفت و گاز از سازمان برنامه و بودجه و گواهی تأیید صلاحیت ایمنی معتبر، احراز حداقل امتیاز ۶۰ در ارزیابی کیفی و ارزیابی HSE. سایر شرایط و مستندات مورد نیاز برای مناقصه گران مطابق مفاد راهنمای مناقصه گران جهت شرکت در مناقصه که به انضمام فرم های ارزیابی کیفی در پایگاه های اینترنتی مندرج در آگهی بازگذاری میگردد، خواهد بود.
۱۵	تاریخ چاپ آگهی	نوبت اول ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

شناسه آگهی: ۱۹۷۹۱۸۳

خبر سازان



اکران فیلم جدید دارن آرنوفسکی

دارن آرنوفسکی، فیلمساز نام‌آشنا و خالق آثاری چون «قوی سیاه»، «کشتی گیر» و «مرثیه‌ای برای یک رویا»، با پروژه‌ای متفاوت به سینما بازمی‌گردد. فیلم جدید او، «دزدیده‌شده» نام دارد از اواخر همین ماه میلادی اکران می‌شود. این پروژه بیش از ۱۵ سال در مرحله توسعه بود. آرنوفسکی گفته، پس از فضای سنگین «نهنگ» به اثری سرگرم‌کننده و پرنشاط نیاز داشته است. داستان فیلم جدید آرنوفسکی در مهتئن دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌گذرد و در آن یک ستاره سابق بیسبال، به‌طور ناخواسته وارد دنیای خطرناک گانگستروها و ماجراهای جنایی می‌شود.

انتقاد مجری سی‌ان‌ان از سیاست رسانه‌ای ترامپ

جیک تیر، مجری و خبرنگار ارشد CNN به‌شدت از شکایت دونالد ترامپ علیه برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه CBS انتقاد کرد و گفت دولت مستقر در آمریکا با سیاست‌های رسانه‌ای خود در کشور شکاف ایجاد می‌کنند. این شکایت در نهایت با پرداخت ۱۶ میلیون دلار از سوی پارامونت گلوبال به ترامپ به پایان رسید. تیر این هشدار را داده که شکایت‌ها از رسانه‌ها، نه برای عدالت یا اصلاح گزارش، بلکه برای ورشکست کردن آن‌هاست.